



حضرت آیت الله العظمی جوادى آملی دامت برکاته

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بسم الله الرحمن الرحيم

﴿وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَعْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنَى إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنَى أَخَوَاتِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوِ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولَى الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعاً أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (۳۱) وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَى مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُعْهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ (۳۲)﴾

بیان احکام مشترك زن و مرد با صیغه جمع مذکر

احکام اسلام مشترك بين زن و مرد است مگر آن احکامی که مخصوص مرد یا مخصوص زن است غالباً در احکام مشترك فقط به صورت جمع مذکر سالم ذکر می شود نظیر آنچه در طلیعه سوره مبارکه «مؤمنون» آمد که ﴿قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ * الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ﴾ تا پایان که در آنجا زن و مرد هر دو مشمول آن آیات اند اختصاصی به مرد ندارد در محاوره وقتی می گویند مردم این چنین می گویند اعم از مردان و زنان است تعبیر عرفی عرب هم همین طور است يك وقت می گویند مردان در مقابل زنان است يك وقت می گویند مردم چنین می گویند مردم انقلاب کردند اینجا دیگر در قبال زن نیست. تعبیرات قرآن معمولاً شبیه همین فارسی است که دیگر زن را در برابر مرد ذکر نمی کند مگر در احکام مهم و احکام مختصه زن که جدا مطرح می شود مثلاً جریان اقتصاد که در جاهلیت برای زن يك

استقلال اقتصادی قائل نبودند قرآن کریم بالصراحه برای زن يك استقلال اقتصادی قائل است جداگانه مردان را در برابر زنان قرار می دهد می فرماید: ﴿لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ﴾^۱ که اینجا سخن از مردان و زنانند نه سخن از مردم.

در بخشی از آیات برای اینکه روشن بشود خطوط کلی اسلامی مشترك بين زن و مرد است آنجا هم بالصراحه مسئله زنان را در برابر مردان ذکر می کند مثل آیه ۳۵ سوره مبارکه «احزاب» که فرمود: ﴿إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمُ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا﴾ که خطوط کلی اسلام را بیان فرمود که زن و مرد در احکام اسلامی مشترك اند و بازگشتش البته به نفی ذکورت و انوئت است نه اینکه حقیقت انسان دو صنف است يك صنفش مذکر يك صنفش مؤنث و اینها با هم برابرند بازگشتش به این است که روح انسان نه مذکر است نه مؤنث بدن انسان یا این چنین ساخته شده یا آن چنان و این احکام مشترك است اما در جریان حجاب و عفاف برای اهمیت مسئله، اینها را جدای از هم و در دو آیه مستقل ذکر فرمود؛ آیه سی هیمین سوره «نور» این است ﴿قُلْ لِّلْمُؤْمِنِينَ يُعْضُوا مِنْ أَيْسَارِهِمْ﴾ تا پایان، آیه ۳۱ این است ﴿وَقُلْ لِّلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ﴾ تا پایان.

فروع چهارگانه مستفاد از آیه ۳۱ سوره نور

مطلب دیگر آن است که از مجموع این بحثها، فروع چهارگانه به دست می آید که مرد نسبت به مرد، زن نسبت به زن، مرد نسبت به زن، زن نسبت به مرد حفاظش حجابش عفافش [چگونه باشد] این فروع چهارگانه به خوبی از این آیات به دست می آید.

۱. سوره نساء، آیه ۳۲.

حصر نسبی و اضافی دوازده گروه در آیه ۳۱ سوره نور

مطلب بعدی آن است که این حصرها حصرهای نسبی و اضافی است حصر مطلق و نفسی نیست اینکه فرمود:

﴿وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا﴾ این دوازده گروه را استثنا فرمود عمو و دایی را ذکر نکرد آسیبی نمی‌رساند چون درصدد حصر نفسی و مطلق نیست چه اینکه در بعضی از موارد کمتر از این مقدار دوازده‌گانه را ذکر کرد؛ آیه ۵۵ سوره مبارکه «احزاب» این است که ﴿لَا جُنَاحَ عَلَيْنَ فِیْ آبَائِهِنَّ وَلَا أَبْنَائِهِنَّ وَلَا إِخْوَانِهِنَّ وَلَا أُنْثَاءٍ أَخَوَاتِهِنَّ وَلَا نِسَائِهِنَّ﴾ آن بقیه را ذکر نکرد بنابراین دیگر آن نکته‌ای که حالا چون عمو و دایی اگر ببینند ممکن است برای پسرعمو و پسردایی ذکر بکنند آن يك نکته ذوقی است دلیل بر حصر نیست چون این حصرها، حصرهای اضافی است نه مطلق و نسبی است نه نفسی، به دلیل اینکه در آیات دیگر از این دوازده تا هم مقداری حذف شده و نقل نشده.

تفاوت معنای دو ابداء و امور چهارگانه در ستر و نگاه

مطلب بعدی آن است که این ابداء مستحضرید که دو بخش داشت یکی ﴿وَلَا يُبْدِينَ﴾ بود که ابدای نفسی است بدون «لام» استعمال شده دوم ابدایی بود برای دیگران؛ ابدای اول معنایش آن است که باید پیوشاند ابدای دوم این است که می‌تواند نشان بدهد ابدای اول که فرمود: ﴿وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ﴾ یعنی ستر واجب است مگر آن مقداری که به طور عرف و عادت ظاهر است نظیر وجه و کفین به معنای نشان دادن نیست به معنای پیوشاندن است ولی ابدای دوم که با «لام» به کار رفته فرمود: ﴿وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ﴾ این حق ندارد به دیگران نشان بدهد مگر به این دوازده گروه لذا با «لام» به کار رفته. خب تلازمی بین وجوب حفظ و حرمت نظر هست هر جا گفتند زن باید پیوشاند یعنی مرد نباید نگاه کند اینجا تلازم هست و اگر مرد می‌توانست نگاه کند خب زن چرا پیوشاند اگر گفتند زن حتماً باید مو را پیوشاند جید و جیب؛ گردن و گریبان هر دو را پیوشاند یعنی نگاه مرد به مو گردن گریبان زن

حرام است اما اگر گفتند فلان عضو پوشاندنش واجب نیست معنایش این نیست که مرد می‌تواند نگاه کند ما چنین تلازمی را از کجا استفاده کنیم به دلیل اینکه بر مرد پوشاندن گردن و گریبان و امثال اینها واجب نیست اما بر زن نگاه جایز نیست ممکن است پوشاندن واجب نباشد ولی نگاه هم جایز نباشد پس بین این امور چهارگانه فرق است هر جا گفتند ستر واجب است در مقابلش نظر می‌شود حرام این دو امر، هر جا گفتند ستر واجب نیست در مقابلش جواز نظر را ما نمی‌توانیم کشف بکنیم این امور چهارگانه.

جواز ابداء زینت نزد زنان مسلمان و اطفال غیر ممیز

اما اینکه فرمود: ﴿أَوْ نِسَائِهِنَّ﴾ فخر رازی نقل می‌کند که بعضی از خلفا بالصراحه دستور دادند که در حمامها زنهای مسیحی و یهودی با زنهای مسلمان یکجا شرکت نکنند حمامشان باید جدا باشد^۲ برای اینکه این ﴿نِسَائِهِنَّ﴾ نشان می‌دهد که زن مسلمان فقط می‌تواند خود را به زن مسلمان نشان بدهد به زن غیر مسلمان نمی‌تواند نشان بدهد لذا در آن بخش از حکومت اسلامی بالصراحه حمامها تفکیک شده یعنی حمامهای زنهای مسلمان از حمامهای زنهای غیر مسلمان جدا شد اما در مردها این چنین نبود که حالا حمام مردانه مسلمان و غیر مسلمان جدا باشد ﴿أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ﴾ هم که ملاحظه فرمودید مخصوص کنیزان است نه اینکه عبد و غلام هم بتواند مولات خود و مالکه خود را نگاه کند. کلمه «طفل» گرچه مفرد است ولی چون به منزله جنس است تعبیر جمعی درباره او به کار رفته ﴿أَوْ الطِّفْلِ الَّذِينَ﴾ نه «الذی».

اقسام و کیفیت توبه و خطاب آن به چهار گروه

مسئله توبه دو قسم است يك وقت انسان توبه می‌کند و استغفار می‌کند و صرف نظر می‌کند این دیگر توبه کرد و تمام شد و رفت اما آن ندامت و پشیمانی باید مستمر باشد این ﴿تُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعاً﴾ یعنی استمرار بدهید مسئله

۲. التفسیر الکبیر، ج ۲۳، ص ۳۶۵.

ندامت را که «کفی بالتَّوبَةِ»^۳ حالا اگر کسی گناهی کرد استغفار کرد و طلب بخشش کرد از ذات اقدس الهی و از آن کار صرف نظر کرد و پشیمان هم بود اما دیگر استغفار مرتّب واجب باشد این چنین نیست درخواست مغفرت همان بار اول کافی است لکن ندم و پشیمانی باید مستمر باشد این چنین نیست که نسبت به گناه بی تفاوت باشد یا دلش به آن گناه علاقه مند باشد این دیگر با توبه هماهنگ نیست بنابراین توبه يك فعل محدود دارد و يك وصف نامحدود، فعل محدودش همان درخواست مغفرت است ترك گناه است و مانند آن اما پشیمانی باید مستمر باشد. مرحوم مجلسی (رضوان الله علیه) در بحار الأنوار نقل می کند که اگر کسی بیست سال قبل گناهی کرده است الآن در يك مجلس وعظی نشسته است خدای سبحان آن گناه بیست سال قبل را به یاد این می آورد که این يك ندامت جدید داشته باشد درخواست مغفرت جدید داشته باشد تا فیض تازه ای نصیب او بشود^۴ او توبه کرده است دیگر توبه بر او واجب نیست چون توبه حاصل شد و صرف نظر کرد و امثال ذلك لکن این استغفار جدید مزید لطف است این ندم جدید، مزید لطف است ﴿وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا﴾ این ﴿جَمِيعًا﴾ به همه این چهار گروه خطاب دارد که هر کدام لغزشی کرده اند یعنی مرد نسبت به مرد، زن نسبت به زن، مرد نسبت به زن، زن نسبت به مرد هر کدام از اینها لغزشی کردند توبه کنند ﴿أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ﴾ این ﴿أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ﴾ پایان این آیه نظیر ﴿قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ﴾ آغاز سوره مبارکه «مؤمنون» است که این به زبان محاوره عادی است مثل اینکه می گویند مردم نه مردان گرچه تعبیر، تعبیر مذکر است ولی مؤمنات را هم شامل می شود یعنی در آیه سی خصوص مردان مطرح شدند در آیه ۳۱ زنان مطرح شدند در پایان آیه ۳۱ مردم مطرح شدند که اعم از مردان و زنانند ﴿أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾.

۳. الکافی، ج ۲، ص ۴۲۶.

۴. ر.ک: الکافی، ج ۲، ص ۴۳۷؛ ر.ک: بحار الأنوار، ج ۶، ص ۴۱.

دستور آداب اجتماعی جهت عفاف عمومی

در جریان استیذان مستحضرید فرمود تا به شما اذن ندادند وارد نشوید درباره منزل پیغمبر (علیه و علی آله آلا ف التحیّة و الثناء) ادب مجلس پیغمبر در سورۀ مبارکۀ «احزاب» آمده این است که سه دستور رسمی است برای شرفیابی که - ان شاء الله - در جای خودش مطرح می شود اما برای منزل افراد عادی قبلاً فرمود تا به شما اجازه ندادند وارد نشوید حالا که وارد شدید تمام اتاقها را بررسی نکنید که چطور ساخته شده چه کالایی در آن هست چطور هست این طور نباشد با غضّ بصر وارد بشوید با غمض عین وارد بشوید گرچه برای کوی و برزن هم هست گرچه برای همه رفتارهای مرد در برابر زن هست ولی به دنبال استیذان ورود در منزل دیگران اگر اجازه ورود دادند به عنوان مهمان یا غیر مهمان رفتیم دیگر حالا تمام اتاق را برانداز کنیم ببینیم که چه چیزی دارد چطور چیده این دیگر روا نیست اینکه فرمود: ﴿قُلْ لِّلْمُؤْمِنِينَ يُغْضَوْنَ﴾^۵ بعد از جریان استیذان نشان همین است این يك ادب اجتماعی است این ادب اجتماعی باعث آن عفاف عمومی است.

کلام فخررازی در پوشش انسان در نماز و غیر نماز

مطلب دیگر آنکه فخررازی نقل می کند درست است انسان در حال صلات فقط باید به آن وضع، اندام تناسلی را بپوشاند در غیر صلات هم چون در محضر ذات اقدس الهی است به عنوان ادب مع الله، «الله احق أن يستحیی منه»^۶ انسان شایسته است که خود را بپوشاند باز نباشد این ادب مع الله است که در سورۀ مبارکۀ «علق» آمده که ﴿أَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ اللَّهَ يَرَى﴾^۷ این ادب مع الله اقتضا می کند که انسان در غیر موارد قضای حاجت بالأخره خود را بپوشاند. روایتی که آمده است که هر جا که [در قرآن درباره] حفظ [فرج] آمده حفظ از زناست مگر این آیه که راجع به حفظ

۵. سورۀ نور، آیه ۳۰.

۶. التفسیر الکبیر، ج ۲۳، ص ۳۶۳.

۷. سورۀ علق، آیه ۱۴.

مِنْ النَّظَرِ است^۱ این هم يك حصر نسبی و اضافی است برای اینکه اختصاصی به نظر ندارد لمس را هم شامل می‌شود شنیدن صدای نامحرم را هم شامل می‌شود گرچه صوت مرأه، عورت نیست اما آهنگ ناروای او که عورت است بنابراین این يك حصر نسبی است.

ازدواج، راه حل مشکلات بی‌عفاف جامعه

حالا راه حلی که قرآن کریم نشان می‌دهد چیست؟ يك وقت است می‌گوید آن کار را نکنید بسیار خب نفی، آسان است اما راه حلی باید نشان داد فرمود راه حلش این است که ازدواجتان را تأخیر نیندازید بیش از این هم غریزه غمی طلبد این حرام نیست این حکمت الهی است انسان مثل فرشته نیست که بماند این نسل باید محفوظ بماند اولین هدف ازدواج هم ﴿مَا تَقَدَّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ﴾^۲ است یا ﴿نَسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَكُمْ فَأَتُوا حَرْثَكُمْ أُنْثَىٰ شِئْتُمْ وَقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ﴾^۳ همه جا سخن از فرزند صالح است این ﴿قَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ﴾ یعنی به فکر فرزند صالح باشید خب انسان که مثل فرشته نیست از مرگ مصون باشد ﴿كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ﴾^۴ برای حفظ نسل، نکاح را ذات اقدس الهی مقرر کرده بیش از این هم نیاز نیست مثل غذا خوردن است، بالأخره انسان يك مقدار معینی به غذا نیازمند است بقیه اشتباهی کاذب است و مرض آور است نکاح را گفت سنت من است^۵ نیمی از دین به وسیله ازدواج حاصل می‌شود «مَنْ تَزَوَّجَ فَقَدْ أَحْرَزَ نِصْفَ دِينِهِ»^۶ و نکاح سنت من است و ذات اقدس الهی زن را برای سکونت و آرامش مرد آفریده ﴿خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا﴾^۷ اگر این گونه از موارد جزء منهیات است محرمات اسلام است آن هم راه حل نشان داد فرمود: ﴿وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ﴾ ملاحظه می‌فرمایید که جامعه را

۱. الکافی، ج ۲، ص ۳۶.

۲. سوره بقره، آیه ۱۱۰؛ سوره مزمل، آیه ۲۰.

۳. سوره بقره، آیه ۲۲۳.

۴. سوره آل عمران، آیه ۱۸۵؛ سوره انبیاء، آیه ۳۵؛ سوره عنکبوت، آیه ۵۷.

۵. جامع الأخبار، ص ۱۰۱.

۶. الامالی (شیخ طوسی)، ص ۵۱۸.

۷. سوره روم، آیه ۲۱.

مسئول قرار داده این ﴿أَنْكِحُوا﴾ خطاب به امت اسلامی است خطاب به جامعه است به جوان نمی گوید زن بگیر به دختر جوان نمی گوید شوهر انتخاب بکن آن آیات دیگر است و وظیفه دیگر و روایات دیگر اما این آیات که جامعه را دارد متمدن می سازد که در خیابان و بیابان چطور رفتار کنند چطور نگاه کنند جامعه را مسئول قرار داده که امر ازدواج را تسهیل کنید انکاح کنید فرزندان را نکاح بدهید. يك وقت است به پدر و مادر خطاب می کند آن يك مسئولیت محدودتری است يك وقت امت اسلامی را مخاطب قرار می دهد که شما وسیله ای فراهم کنید که جوانها ازدواج کنند هم جهیزیه و مهریه را تعدیل کرد فرمود بهترین زن آن است که «أَقْلَهْنَ مَهْرًا»^۱ باشد و اگر مهریه بالا اثر می کرد دستور می دادند جهیزیه هم بشرح ایضاً. در ذیل آیه سوره «نحل» گذشت که فرمود اگر کسی باایمان بود ﴿فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً﴾^۲ حضرت امیر (سلام الله علیه) فرمود: «هی القناعة»^۳ حیات طیبیه را خود انسان عقل مدار می سازد فرمود قناعت است. ما اگر بدانیم طرزی زندگی کردن که باری روی دوش جامعه و خود ما نباشد این حیات، حیات طیبیه است راحتیم منتها درك ما باید مقداری بالا بیاید اینها اول حیات طیبیه را معنا کردند بعد گفتند جهیزیه فراوان کمال نیست مهریه فراوان کمال نیست آن وقت جامعه را هم وادار کردند که جوانها اعم از دختر و پسر را انکاح کنند ﴿وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَى﴾^۴ ایامی جمع ائیم است، ائیم اعم از دختر و پسر است یعنی آن کسی که عیال ندارد چه پسر باشد می گویند ائیم چه دختر باشد می گویند ائیم، برخیها ائیمه به کار بردند ولی «ایامی» جمع ائیم است یعنی «مَنْ لَا زَوْجَ لَهُ» نه «مَنْ لَا زَوْجَةَ لَهُ» زوجه خیلی فصیح نیست هم مرد زوج است هم زن زوج است زن زوجه نیست لذا در قرآن کریم هیچ جا زوجه به کار نرفته زوجات به کار نرفته همهاش ازواج به کار رفته خب.

۱. الکافی، ج ۵، ص ۳۲۴.

۲. سوره نحل، آیه ۹۷.

۳. نهج البلاغه، حکمت ۲۲۹.

اقسام وصیت و وصیت تملیکی جهت ازدواج ایاما

﴿وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَى مِنْكُمْ﴾^۱ برخیا این توفیق را داشتند که مقداری وقف می‌کردند برای مَهْرِیه مقداری وقف می‌کردند برای جهیزیه و مانند آن بالأخره انسان دو وصیت دارد يك وصیت عهده دارد که بعد از مرگ من چه کسی غسل بدهد چه کسی تهنيط کند چه کسی تکفین کند چه کسی نماز بخواند کجا دفن کنید اینها را می‌گویند وصیتهای عهده این گونه از وصیتهای عهده نیازمند به وصی^۲ است چون مربوط به بعدالموت است. قسم دوم وصیت تملیکی است که با ثلث من چه بکنید در وصیت تملیکی که در مقابل وصیت عهده است وجود مبارك حضرت امیر فرمود: «كُنْ وَصِيَّ نَفْسِكَ»^۳ خودت وصی خودت باش همین ثلث را که بعد از مرگ بخواهند عمل بکنند که آیا بکنند یا نکنند در زمان حیات خودت عمل بکن حالا یا با وقف یا غیر وقف. جامعه بداند سعادت آنها در این است که به جوانها همسر بدهند ما نباید فقط به جوانها بگوییم چرا ازدواج نمی‌کنی به دختر بگوییم چرا همسر قبول نمی‌کنی ما هم نزد خدا مسئولیم که اینها را همسر بدهیم فرمود: ﴿وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَى مِنْكُمْ﴾ نه اینکه اینها نکاح بکنند، البته اینها هم باید آمادگی‌شان را اعلام بکنند پدر و مادر هم باید زحمت بکشند ولی جامعه مسئول است حکومت اسلامی مسئول است ﴿وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَى مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ﴾ اینجا صالحین به معنای انسان وارسته و باتقوا نیست کسی قدرت اداره زندگی دارد صلاحیت همسرگیری دارد کسی که همسر ندارد ولی قدرت اداره ندارد یا بیمار است یا ضعف فکری دارد آنها خیلی تحت امر نیستند اما آنهایی که تحت امرند یعنی کسی که شایسته است خانواده را اداره کند، همسر را اداره کند، این باشد. ﴿وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَى﴾ مطلق است ﴿وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ﴾ آن روزی که متأسفانه بساط برده‌داری بود فرمود آنها هم نگذارید بی‌همسر باشند چه رسد به فرزندان، این آیامی^۴ غیر از عبید و اِماست آنها که عبید و اِما هستند قدرت اداره دارند فرمود آنها هم نگذارید بی‌همسر باشند چون در جریان حفظ نظر که فرقی بین عبد و اَمه و حر^۵ نیست لذا در مسئله نکاح اول فرمود پسران

۱. نهج البلاغه، حکمت ۲۵۴.

و دخترانی که شما دارید جامعه دارند آیم و بی همسرند آنها را همسر بدهید اگر متأسفانه عصری بود که عصر عبد و آمه بود آنها را هم همسر بدهید ﴿وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ﴾.

خداوند متکفل رزق مخلوقین

می ماند مشکل مالی، فرمود: ﴿إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُعْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ﴾ فرمود شما با خدا معامله کنید بالأخره این دختر خانم يك روزی دارد آن آقا پسر هم يك روزی دارد مجرای رزق اینها هم برمی گردد این یکی در این خانه زندگی می کند آن یکی در آن خانه زندگی می کند وقتی با هم زیر يك سقف رفتند مسیر رزق هم برمی گردد برای اینکه روزی هر کسی مشخص است این طور نیست که این اگر در خانه پدر باشد رزق داشته باشد وقتی به خانه همسر آمده رزق نداشته باشد این چنین نیست. در سوره مبارکه «ذاریات» هم فرمود: ﴿إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ﴾^۱ در سوره مبارکه «هود» هم فرمود در دفتر من تمام مار و عقرب سهمیه دارند ﴿مَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا﴾^۲ هیچ ماری هیچ عقربی هیچ حیوان دریایی هیچ حیوان صحرایی نیست فرمود من متکفلم اینها عائله من هستند این خداست! منتها مقداری ما باید عاقلانه زندگی کنیم آن وقتی که لذت زندگی است دهه سوم است یعنی از بیست سالگی تا سی سالگی بعد دیگر از سی که گذشت کم کم فرود است دیگر حداکثر کسانی که هشتاد سال زندگی می کنند دوران غنیمت عمرشان تا چهل سالگی است از چهل سال به بعد دوران غرامت است مثل اینکه انسان چهل سال می رود بالای کوه چهل سال دیگر از آن طرف سرازیر می شود بیمارها و خوردن قرص و اینها از چهل سال به بعد است دیگر، اگر زندگی لذتی داشته باشد تا چهل سال اول است که غنیمت است آن چهل سال دوم دوران غرامت است فرمود بالأخره شما از زندگی بخواهید لذت ببرید با آرامش که ﴿لَتَسْكُنُوا إِلَيْهَا﴾^۳ باشد

۱. سوره ذاریات، آیه ۵۸.

۲. سوره هود، آیه ۶.

۳. سوره روم، آیه ۲۱.

باید با قناعت زندگی کنید ﴿إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُعْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾. خدا دو روزی داد: یکی روزی که فرمود اینها همه عائله من هستند در دفتر من حساب و کتابی است که در سوره مبارکه «هود» است یکی فرمود من يك بخشش زائدی هم دارم از آن بخشش زائد هم به اینها می‌دهم.

تَمَسَّكَ حَكَّامُ جَوْرٍ بِصَبْرِ دَر رَفْعِ مَسْئُولِيَّتِهَا

خدا غریق رحمت کند مرحوم حاج آقا رضای همدانی را مرحوم کاشف الغطاء فتوا به نجاست جبری و مفوضه داد^۱ فرمود حالا شما يك خردمند و فقیه و حکیمید برای شما روشن است اما برای بسیاریها مسائل جبر و اختیار مسائل نظری است مسائل ضروری نیست^۲ جریان جبر را خیلی از این سلاطین دامن زدند برای اینکه مسئله جبر، مسئولیت حکام را کم می‌کند همه مسئولیتها را متوجه الله می‌کند - معاذ الله - يك تورّم و گرانی بود معاویه خواست این را توجیه کند گفت ایها الناس! شما معتقدید که در سوره مبارکه «حجر» خدا فرمود: ﴿وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنْزِلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ﴾^۳ خدا به قَدَر معلوم نازل می‌کند گفتند بله، گفت خدا برای شما به همین قدر نازل کرده است خب خلیفها که تفکر جبری داشتند یا ساده‌نگر بودند رفتند که قانع بشوند، آن بزرگوار برخاست گفت معاویه اینجا سه مسئله است و تو داری مغالطه می‌کنی مسئله اول این است که در مخزن الهی همه نعمتها هست کسی حرفی ندارد مطلب دوم آن است که خدای سبحان به اندازه نیاز بشر هر چه را که خودش حکمت بداند نازل می‌کند ﴿وَمَا نُنْزِلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ﴾ این هم ما حرفی نداریم مطلب سوم این است که ذات اقدس الهی به اندازه نیاز ما نازل کرده است تو به جای اینکه به ما بدهی به خزانه خودت ریختی ما اشکالمان بر این مطلب سوم است.^۴ الآن قیام مردم غرب هم همین است دیگر خدا به اندازه نیاز نازل کرده است آنها گرفتند گذاشتند در مخزن خودشان. غرض این

۱. کشف الغطاء (ط - الحديثه)، ج ۲، ص ۳۵۶.

۲. ر.ک: مصباح الفقیه، ج ۷، ص ۲۹۷.

۳. سوره حجر، آیه ۲۱.

۴. ر.ک: متشابه القرآن، ج ۱، ص ۱۲۳؛ ر.ک: تفسیر القرآن العظیم (ابن ابی حاتم)، ج ۷، ص ۲۲۶۰ و ۲۲۶۱.

است که ذات اقدس الهی فرمود: ﴿إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُعْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ﴾ غیر از آن روزی که همگان سهمی دارند،

فضل الهی هست، چون ﴿وَاللَّهُ وَاسِعٌ﴾ است منتها علیم است که به چه کسی عطا کند.

«و الحمد لله ربّ العالمین»